

بناام خداوند یکتا

آئین زندگی یک مسلمان

آداب زندگی خصوصی

خورد و خوراک

۱. استفاده از خوراکی های حلال
۲. پرخوری نکردن و پیش از سیر شدن از خوراک دست کشیدن
۳. گوشت زیاد نخوردن
۴. صبحانه خوردن

خواب

۵. زود خوابیدن هنگام شب
۶. سحرگاه بیدار شدن
۷. پیش از طلوع آفتاب نخوابیدن
۸. وقت خواب ذکر و یاد خدا گفتن

نظافت و پاکیزگی بدن

۹. استحمام و حفظ پاکیزگی بدن
۱۰. مسواک زدن
۱۱. استحمام
۱۲. پاکیزه نگاه داشتن ناخن ها
۱۳. مرتب نگاه داشتن موی سر

۱۴. حفظ پوست بدن (تدهین)

رفاه و زیبایی

۱۵. استفاده از مال و ثروت و نعمت را در زندگی خود ظاهر کردن
۱۶. فقر و نداری خود را از دیگران مخفی کردن
۱۷. آراسته و با زینت در برابر دیگران ظاهر شدن
۱۸. از پوشاک زیبا استفاده کردن
۱۹. از مرکب و وسیله نقلیه خوب استفاده کردن
۲۰. تهیه خوراک خوب برای خانواده و بخصوص در میهمانی دادن ها
۲۱. در شرایط سخت اجتماعی با مردم عادی همسان بودن
۲۲. در نعمت های دنیای غرقه نشدن و از یاد خدا غافل نگشتن
۲۳. خودداری از اسراف و ریخت و پاش بی جا
۲۴. در بیرون لباس فاخر پوشیدن و در تنهایی از لباس های ساده و زاهدانه استفاده کردن
۲۵. استفاده نکردن از لباس های انگشت نما و لباس مندرس
۲۶. عدم تشبیه زن به مرد و مرد به زن در پوشش
۲۷. استفاده از انگشترهای عقیق و فیروزه
۲۸. استفاده نکردن از انگشتر و وسایل زینتی طلا توسط مردان
۲۹. داشتن کفش خوب و راحت
۳۰. داشتن حجاب و پوشش با عفاف برای زنان
۳۱. پوشیده نگاه داشتن زینت و زیور در خارج از منزل توسط زنان
۳۲. استفاده نکردن از عطر در کوچه و بازار از سوی خانم ها

۳۳. کوتاه نگاه داشتن محاسن و شارب برای مردان و رنگ کردن موی سفید

۳۴. شانه کردن و رسیدگی به موی سر برای مردان

۳۵. کوتاه کردن ناخن برای مردان و بلند نگاه داشتن ناخن برای زنان

۳۶. استفاده زنان از زیور آلات حتی در سنین کهولت

۳۷. دوری از ژنده پوشی و با ظاهر فقیرانه زندگی کردن

۳۸. به کار بردن زیور آلات و آرایش چهره برای زنان بدون تبرج و خودنمایی

مسکن

۳۹. داشتن منزل بزرگ

۴۰. خودداری از نقاشی منزل با تمثال موجودات دارای روح

۴۱. تمیز نگاه داشتن منزل و ورودی های آن

۴۲. ولیمه دادن برای خانه جدید

پاسداشت شخصیت انسانی خود

۴۳. از مال برای حفظ عزت و کرامت خود گذشتن و ثروت را فدای حفظ شخصیت خود کردن

۴۴. حفظ سربلندی و عزت نفس در برابر صاحبان ثروت و قدرت

۴۵. تواضع و فروتنی پیشه کردن

۴۶. در برابر افراد متکبر تواضع نکردن

۴۷. بر خورد با عزت و به دور از تواضع فقیران با ثروتمندان

۴۸. از شهرت و قدرت طلبی دوری کردن

۴۹. از ستایش صاحبان ثروت و قدرت دوری کردن
۵۰. دست نیاز بسوی مردم دراز نکردن و بر مشکلات زندگی صبر
کردن

۵۱. اظهار فقر و نداری نکردن در هیچ حالی

۵۲. خود را از مردم بی نیاز دیدن

رفتار سنین کهولت

۵۳. آرزوی مرگ خود نداشتن

۵۴. وصیت کردن برای صرف یک سوم اموال در کارهای خیر

تفریح، و نشاط

۵۵. چهره دلنشین و بشاش، و رفتار با نشاط داشتن

۵۶. بخشی از وقت روزانه را در فراغت و سرگرمی های لذت بخش

صرف کردن

۵۷. شادمانی های شرآفرین (مانند قمار و شراب ...) دوری کردن

۵۸. اهل شوخی و مزاح بودن

۵۹. اهل انس و الفت با دیگران بودن

۶۰. به سفر و تفرج رفتن

نیازهای غریزی

۶۱. سرکوب نکردن غرایز و فراهم کردن شرایط ازدواج از زمان بلوغ

۶۲. محدود کردن روابط جنسی به محیط زناشوئی

۶۳. کنترل کردن نفس در شرایطی که راه ارضای مشروع ممکن نیست

۶۴. خودداری از ایجاد و یا حضور در شرایط تحریک نامناسب جنسی

۶۵. حفظ عفاف از سوی زن و خودداری از تبرج و جلب توجه مردان و رفتار و گفتار تحریک آمیز
۶۶. پرهیز از روابط عاطفی و دوستانه فتنه انگیز با نامحرم
۶۷. کنترل نگاه به نامحرم
۶۸. نداشتن هر گونه تماس بدنی با نامحرم
۶۹. پوشیده نگاه داشتن اندام از سوی زنان به جز صورت و دستان

زندگی خانوادگی

رفتار در زندگی مشترک

۷۰. اولویت دادن به ایمان و اخلاق در انتخاب همسر
۷۱. اولویت ندادن به زیبایی و ثروت
۷۲. دیدار قبل از ازدواج برای انتخاب همسر
۷۳. تأمین نیازهای مادی و معیشتی توسط مرد در حد رفاه خانواده
۷۴. فراهم کردن شرایط تأمین نیاز غریزی برای همسر
۷۵. حفظ زیبایی و آراستگی در محیط منزل از سوی زن و مرد
۷۶. برخورد باز و با گشاده رویی و بدون اخم با همسر
۷۷. فرزند دار شدن

رفتار با فرزندان

۷۸. ترجیح ندادن پسر بر دختر
۷۹. انتخاب اسم خوب برای فرزند
۸۰. تربیت صحیح فرزند در دوران کودکی
۸۱. تکریم و احترام به فرزند، و انجام دادن قولهای به فرزند

- ۸۲. تامین نیاز عاطفی فرزند و بوسیدن او
- ۸۳. آموزش قرآن و معارف و احکام دین به فرزند
- ۸۴. تغذیه سالم فرزند
- ۸۵. تعلیم شغل و کار و اخلاق اجتماعی به فرزند

زندگی اجتماعی

آداب سفر

- ۸۶. از فال بینی و اعتنا به نجوم برای تعیین زمان سفر دوری کردن
- ۸۷. سفر را با صدقه آغاز کردن و در زمان سوار شدن نام خدا بردن
- ۸۸. با دوستان خدا حافظی کردن
- ۸۹. مسافر را مشایعت کردن و برای او هنگام سوار شدن دعا کردن
- ۹۰. به تنهایی سفر نرفتن
- ۹۱. در طول سفر به خانواده نامه نوشتن

رفتار با همسفران

- ۹۲. پرسیدن نام همسفر
- ۹۳. پیش از جدا شدن از همسفر مقداری از راه را به احترام او رفتن و سپس بازگشتن
- ۹۴. در سفر خود را با دلخواه همسفران همراه ساختن و مطابق میل آنها رفتار کردن
- ۹۵. همسفران همدم و همدل انتخاب کردن
- ۹۶. با همسفران هم خرج شدن و خرج خود را جدا نکردن
- ۹۷. برای خدمت همسفران تلاش و اهتمام کردن

۹۸. از مال خود برای همسفران خرج کردن
۹۹. در صورت مریض شدن همسفری در راه، تا بهبود همسفر صبر کردن
۱۰۰. هنگام نیمه شب از سفر به منزل بازنگشتن

آداب دوستی

۱۰۱. داشتن دوستان زیاد
۱۰۲. انتخاب دوست خوب
۱۰۳. دیدار با دوستان در فاصله کمتر از سه روز
۱۰۴. حمایت از دوست و کمک به او با مال و جان
۱۰۵. پاسداری از دوستی های صادقانه
۱۰۶. گذشت از لغزشهای دوست خوب
۱۰۷. پیشه کردن صداقت در دوستی
۱۰۸. دوری از دوستی با افراد نادان
۱۰۹. داشتن دست بالاتر در دوستی

آداب معاشرت با مردم

۱۱۰. امانتداری
۱۱۱. راستی و وفای به عهد
۱۱۲. رفق و ملامت و الفت داشتن با مردم
۱۱۳. همنشینی و مصاحبت با مردم عاقل و بزرگ منش
۱۱۴. مشورت نکردن با افراد پست و بی دین و بخیل
۱۱۵. سلام کردن به همه بخصوص به کودکان و فقیران

۱۱۶. زیبا و دلنشین سخن گفتن (اطابه کلام)
۱۱۷. احترام به سالمندان
۱۱۸. تسمیت عاطس گفتن
۱۱۹. در سخن دیگری وارد نشدن
۱۲۰. دیگران را با نام محترمانه صدا زدن
۱۲۱. خنده رو بودن و با روی گشاده و تبسم با دیگران برخورد کردن
۱۲۲. از خطای دیگران درگذشتن و عذر خواهی خطا کار را پذیرفتن
۱۲۳. خشم خود را ابراز نکردن
۱۲۴. پیش دیگران پا را دراز نکردن
۱۲۵. از مجادله و مرء خودداری کردن
۱۲۶. کناره نگرفتن از مردم و اهل معاشرت بودن
۱۲۷. هدیه دادن به یکدیگر
۱۲۸. به زبان آوردن علاقه
۱۲۹. دست دادن طولانی (مصافحه)
۱۳۰. یکدیگر را در بغل گرفتن (معانقه)
۱۳۱. زیاد میهمانی و ضیافت دادن
۱۳۲. نشان دادن علاقه نسبت به همگان در گفتار و نگاه
۱۳۳. حسن مصاحبت با همگان در سفر و اظهار صمیمیت با همسفران
۱۳۴. حسن رابطه با همسایگان و دوری از اذیت و صبر به اذیت آنان
۱۳۵. اجتناب از درگوشی صحبت کردن و از هر حرکت آزار دهنده
- برای دیگران
۱۳۶. رعایت اقتضای حال کم سن و سالان و عطوفت و مهربانی با آنان
۱۳۷. تواضع در رفتار و دوری از رفتار متکبرانه و تحقیر آمیز با دیگران

۱۳۸. با غنی و فقیر یکسان برخورد کردن و میان این دو گروه فرق نگذاشتن

۱۳۹. گشاده دست بودن و با سخاوت بودن نسبت به هم

۱۴۰. اطعام یتیمان و محبت به آنها

۱۴۱. دوری جستن از پیگیری لغزشهای دیگران و چشم فرو بستن از آنها (نفی تجسس)

۱۴۲. باخویشان و بستگان پیوندی ویژه داشتن و قطع پیوند نکردن در هیچ شرایطی

۱۴۳. تسلط بر خویشان و تحمل زشتیهای دیگران

۱۴۴. کمک کردن بدیگران با رعایت کرامت آنان

۱۴۵. ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود

۱۴۶. رعایت انصاف و نادیده نگرفتن حقوق دیگران در همه امور

رفتار با غیر همکیشان

۱۴۷. نیکی کردن نسبت به آنان و حمایت از حقوق آنان

۱۴۸. تساوی میان آنان و مسلمانان در برابر قانون

۱۴۹. احترام به هم پیمانها و قراردادهای منعقد شده با آنان هر چند به

ضرر مومنان

۱۵۰. مقدم نداشتن آنان بر مومنان در دوستی و مودت

۱۵۱. جلوگیری از تسلط آنها بر امور مسلمین

۱۵۲. آنها دوست خود در کنار مومنان قرار ندادن

۱۵۳. آنها را از جزئیات امور خود و دیگر مسلمانها مطلع نساختن

رفتار با نیازمندان

۱۵۴. پرداخت حقوق واجب نیازمندان
۱۵۵. بر عهده گرفتن اداره زندگی یک خانواده مستمند
۱۵۶. پرداخت صدقه توسط کودک و با دستان او
۱۵۷. زیاد صدقه دادن و پرداخت روزانه
۱۵۸. اهتمام خاص به پرداخت صدقه در ایام با فضیلت مثل شبهای قدر و جمعه
۱۵۹. پرداخت صدقه به صورت مخفی؛ در صورت توقع بلاء؛
۱۶۰. تامین غذای حیوانات به عنوان صدقه
۱۶۱. تامین مخارج اماکن مذهبی حتی کلیساها با پرداخت صدقه
۱۶۲. اولویت پرداخت صدقه به نزدیکان
۱۶۳. پرداخت صدقه از بهترین بخش اموال
۱۶۴. وجوب پرداخت صدقه به کسی که نیاز ضروری دارد
۱۶۵. اعطای صدقه به نیازمند پیش از آن که او درخواست کند
۱۶۶. مومن را در مال خود شریک دانستن و برای او حق مساوی دیدن (مواسات)
۱۶۷. مقدم داشتن رفع نیاز دیگران بر نیاز خود (ایثار)
۱۶۸. رد نکردن سائل
۱۶۹. درخواست دعا از سائل پس از پرداخت صدقه
۱۷۰. اظهار فقر و نداری نکردن در هیچ حالی
۱۷۱. خود را از مردم بی نیاز دیدن

رفتار در مقابل مریضی و مصیبت

۱۷۲. صبر و تحمل در برابر مصیبت ها
۱۷۳. صبر بر مریضی خود و فرزندان را پای خدا حساب کردن و از او اجر خواستن (احتساب)
۱۷۴. پنهان کردن درد و رنج مریضی پیش از خوب شدن (مگر برای درمان)
۱۷۵. در مریضی زبان به شکوه نگشودن

رفتار با بیماران

۱۷۶. عیادت مریض
۱۷۷. هدیه بردن برای مریض
۱۷۸. کم نشستن در عیادت
۱۷۹. کمک به مریض در انجام کارهایش
۱۸۰. صدقه دادن برای بهبود مریض
۱۸۱. دعا کردن برای شفای مریض

رفتار با مصیبت دیده

۱۸۲. اظهار همدردی - تسلیت

رفتار با دشمنان

۱۸۳. فحش ندادن به دشمنان
۱۸۴. تعرض نکردن به زنان و کودکان آنها حتی در جنگ ها
۱۸۵. رعایت عدالت با دشمنان

۱۸۶. رعایت پیمان و عهد با دشمن حتی در شرایط برتری نسبت به دشمن

۱۸۷. پذیرش صلح با دشمن در صورت وجود فایده و بی جهت بر جنگ پافشاری نکردن

رفتار با حیوانات

۱۸۸. خودداری از شکار تفریحی و لهوری
۱۸۹. اذیت نکردن حیوانات، نزدن و فحش ندادن به آنها
۱۹۰. اخته نکردن حیوانات سواری
۱۹۱. مدارا با مرکب در سفر و فشار نیاوردن بر آنها
۱۹۲. غذای خوب دادن به چهارپایان
۱۹۳. نگهداری کبوتر و خروس در منزل
۱۹۴. نگهداری نکردن سگ در منزل
۱۹۵. هنگام غذا خوردن خود به حیوان هم غذا دادن
۱۹۶. ذبح نکردن حیوان خانگی که اهل خانه با آن انس گرفته داشته اند
۱۹۷. قتل سگ ولگرد و حیوانات موذی
۱۹۸. نکشتن گربه و دیگر حیوانات غیر موذی

رفتار با طبیعت بی جان

۱۹۹. آباد کردن زمین ها
۲۰۰. جلوگیری از خشک شدن درختان سر سبز
۲۰۱. زندگی معنوی

زندگی معنوی

ارتباط با خدا

- ۲۰۲. به خدا محبت و عشق ورزیدن
- ۲۰۳. امید وار بودن به خدا و به او حسن ظن و اعتماد داشتن
- ۲۰۴. همه رحمت ها و نعمت ها را از او دیدن
- ۲۰۵. شکر گذاردن خدا
- ۲۰۶. همه چیز را از او به طور پیوسته و بادوام درخواست کردن

عبادت

- ۲۰۷. به عبادت عشق ورزیدن
- ۲۰۸. نشاط داشتن و کسل نبودن در حال عبادت
- ۲۰۹. دوست داشتن عبادت و دلتنگ نبودن از انجام آن
- ۲۱۰. عدم اعجاب به کثرت عبادت و آن را کم شمردن
- ۲۱۱. میانه روی و رفق در عبادت و فشار نیاوردن به خود در عبادت زیاد
- ۲۱۲. اجتهاد و پیگیر بودن در انجام عبادات
- ۲۱۳. تداوم عبادت و رها نکردن عبادتی پیش از اتمام یک سال
- ۲۱۴. اخلاص در عبادت و ریا و تظاهر نکردن
- ۲۱۵. عبادت را با حال خشوع و خضوع انجام دادن
- ۲۱۶. افزایش عبادت در ماه رمضان
- ۲۱۷. اهتمام ویژه به آداب روز جمعه مانند غسل روز جمعه، زیارت اموات، شرکت در نماز جمعه، پاکیزگی و آراستگی در روز جمعه، افزودن ذکر خدا در روز جمعه

نماز

- ۲۱۸. تکریم و گرامی داشتن نماز
- ۲۱۹. کودکان را از سن ۶ و ۷ سالگی به نماز تشویق کردن
- ۲۲۰. انجام به موقع و سر وقت نماز
- ۲۲۱. نماز را با زیور خواندن، و هنگام نماز عطر زدن و لباس زیبا

پوشیدن

- ۲۲۲. اذان و اقامه گفتن برای هر نماز واجب
- ۲۲۳. نافله های مستحبی ویژه هر فریضه را بجا آوردن
- ۲۲۴. پس از نماز تعقیبات و بویژه تسیحات حضرت زهرا س را گفتن
- ۲۲۵. نماز را با تانی و آرامش بجا آوردن و عجله نکردن
- ۲۲۶. پس از نماز سجده شکر بجا آوردن و صورت بر خاک نهادن
- ۲۲۷. بجا آوردن نماز با جماعت
- ۲۲۸. در صف اول جماعت ایستادن
- ۲۲۹. زود مسجد را ترک نکردن
- ۲۳۰. جای ثابت در مسجد برای خود در نظر نگرفتن
- ۲۳۱. فقط در صورت علاقه مردم امامت کردن
- ۲۳۲. نماز را همیشه در مسجد بجا آوردن
- ۲۳۳. معطر و با لباس زیبا به مسجد وارد شدن
- ۲۳۴. مساجد را پاک و تمیز نگاه داشتن
- ۲۳۵. همیشه در منزل و مسجد اذان گفتن

تلاوت قرآن

- ۲۳۶. فرا گرفتن قرآن

- ۲۳۷. تعلیم آن به فرزندان
- ۲۳۸. احترام و اکرام قرآن
- ۲۳۹. با سرعت قرآن نخواندن و تامل و تفکر کردن در معانی آیات
- ۲۴۰. کثرت تلاوت بخصوص در ماه رمضان و در مدینه و مکه
- ۲۴۱. با صدای خوب و با حزن قرآن خواندن
- ۲۴۲. استماع قرآن و توجه به آن و سخن نگفتن در وقت قرائت قرآن

دعاء

- ۲۴۳. زیاد دعا کردن
- ۲۴۴. تکرار دعا برای یک خواسته
- ۲۴۵. برای خواسته های کوچک هم دعا کردن
- ۲۴۶. هم در حال آسایش و هم در سختی ها دعا کردن
- ۲۴۷. برای گشایش روزی خود دعا کردن
- ۲۴۸. برای دیگران دعا کردن
- ۲۴۹. برای مردگان دعا کردن
- ۲۵۰. هنگام دعا دست ها را بالا بردن
- ۲۵۱. با توجه و از عمق دل دعا کردن
- ۲۵۲. با آرامش و بدون عجله دعا کردن
- ۲۵۳. اصرار و الحاح و خسته و مایوس نشدن در صورت تاخیر اجابت از

دعا

- ۲۵۴. قبل از دعا صدقه دادن و صلوات فرستادن
- ۲۵۵. در جمع دعا کردن و به دعای مومن آمین گفتن
- ۲۵۶. علیه مومنی دعا نکردن

۲۵۷. هنگام دعا کاملاً از کمک مردم ناامید بودن

۲۵۸. کشیدن دستان به صورت پس از دعا

یاد خدا

۲۵۹. در همه حال به یاد خدا بودن

۲۶۰. زمان برخاستن از هر جلسه و نشستی یاد خدا بر زبان آوردن

۲۶۱. در زمان غفلت مردم یاد خدا کردن

۲۶۲. در حال وسوسه های شیطانی خدا را یاد کردن

۲۶۳. با حمد و استغفار و تسبیح و تهلیل و تکبیر و صلوات یاد خدا

کردن

روزه

۲۶۴. سه روز در ماه روزه گرفتن

۲۶۵. ماه شعبان را روزه گرفتن

۲۶۶. سحری خوردن

۲۶۷. روزه مستحب را پوشیده داشتن

۲۶۸. باز کردن روزه در صورت دعوت مومن به خوردن غذا

۲۶۹. چشم و گوش و همه اعضای بدن را در حال روزه از گناه حفظ

کردن

حج

۲۷۰. حج گذار را احترام کردن

۲۷۱. در اولین فرصت و بدون تاخیر به دیدار حاجی شتافتن

۲۷۲. پیاده رفتن به حج و تکرار حج

۲۷۳. در سفر حج به همسفران با مال و جان خدمت کردن

زندگی عالمانه

رفتار علم خواهانه

۲۷۴. تلاش حقیقت جویانه برای شناخت حقیقت بدور از تعصب
۲۷۵. عالمان را گرامی داشتن
۲۷۶. ارج نهادن به علم نافع و دوری از علم بی ثمر
۲۷۷. عمل کردن به دانسته ها و عالم بی عمل نبودن
۲۷۸. تعلّم دستورات دینی مربوط به زندگی
۲۷۹. از غرور و تکبر علمی دوری کردن
۲۸۰. سخنان اهل دانش را شنیدن و بهترین را برگزیدن
۲۸۱. مقلدانه به سخنان اهل دانش گوش نکردن

وظایف دانشمندان

۲۸۲. دانش خود را کتمان نکردن و آن را میان دیگران نشر کردن
۲۸۳. با بدعت های دینی مبارزه کردن
۲۸۴. با جاهلان بردبار بودن و بی مهری آنان را ندیده گرفتن
۲۸۵. استادان خویش را برای همیشه بزرگ داشتن
۲۸۶. با تحکم و تحمیل و تکبر با دیگران برخورد نکردن

آداب تفکر و خردورزی

۲۸۷. اهل استماع و پرسش بودن

۲۸۸. در فکر و رای استبداد نداشتن و بر فکر پیشین خود تعصب نوزیدن

۲۸۹. فقط از علم و یقین پیروی کردن و به ظن و گمان بسنده نکردن

۲۹۰. آراء مشتبه را در امور دینی بدون اطمینان نپذیرفتن و احتیاط پیشه کردن

۲۹۱. اهل مشورت بودن

۲۹۲. درباره آفرینش و رمز و راز آن و نیز مرگ و آینده زندگی پیوسته اندیشه کردن

زندگی اقتصادی

آداب کسب ثروت

۲۹۳. رعایت اعتدال در کسب ثروت و دوری از حرص زدن و یا تنبلی کردن

۲۹۴. در نظر داشتن انگیزه های انسانی و معنوی در کسب مال

۲۹۵. رعایت عدل و انصاف در معاملات

۲۹۶. دوری از کسب های ناسالم و فساد انگیز و ضرر آفرین برای دیگران

۲۹۷. اتکال به خدا در کسب و به توان خود بسنده نکردن

۲۹۸. سخت نگرفتن با طرف معامله و اهل تسامح بودن

بهره برداری و مصرف ثروت

۲۹۹. خرج کردن مال برای رفاه خانواده و بخل نوزیدن

۳۰۰. انباشت نکردن بلا استفاده ثروت

۳۰۱. اسراف و تبذیر نکردن در مصرف
۳۰۲. کمک به محرومان و مستمندان
۳۰۳. کمک به امور معنوی و دینی مثل ساخت و عمران مساجد

زندگی سیاسی

رفتار سیاسی مردم

۳۰۴. تبعیت از قوانین و عدم اخلال در نظم اجتماعی
۳۰۵. وفاداری به نظام سیاسی مشروع
۳۰۶. امر به معروف و نهی از منکر در مقابل حاکمان و دولتمردان
۳۰۷. خیرخواه بودن نسبت به حاکمان مشروع و کمک به آنها در انجام وظایفشان
۳۰۸. همراهی نکردن با باغیان و اخلال گران و کمک به حاکمان مشروع در برابر آنان

پیوست ۱:

رفتار سیاسی دولتمردان

- (بر گرفته از نامه امام علی ع به مالک اشتر - نهج البلاغه نامه ۵۱)
۳۰۹. رحمت و محبت به مردم باید در قلب و عمق جان حاکمان جای گرفته باشد؛ این رحمت باید نسبت به همکیشان و غیر مسلمانان عام و فراگیر باشد
۳۱۰. حاکم باید در برابر عصیان و خطای مردم، روش عفو و گذشت و سماحت پیش گیرد

۳۱۱. با وجود راه گریزی از اعمال خشونت و تندی نباید حاکمان به این کار دست یازند
۳۱۲. اظهار تکبر و غرور حاکمان، تشبه بر عظمت کبریائی خداوند و نتیجه‌اش ذلت و زبونی آنان است
۳۱۳. حاکم باید میان همه مردم به انصاف و یکسانی و عدم تبعیض رفتار کند؛ زیرا عدم رعایت مساوات ظلم است و خداوند خصم کسی است که بر بندگان ظلم روا دارد
۳۱۴. حاکمان باید بیشتر توجه و تمایلشان به عامه مردم باشد نه به خواص و برگزیدگان و مرفهین و قدرتمندان
۳۱۵. حاکمان باید اسرار مردم را پوشیده بدارند و فاش کنندگان عیوب مردم را از خود برانند
۳۱۶. حاکمان باید دل خود را نسبت به آحاد مردم صاف کنند و جز مهر و عطوفت از آنان در دل نداشته باشند
۳۱۷. حاکمان باید از انتخاب مشاورانی که دارای خصلتهای ناشایست مانند بخل و ترس و حرص‌اند خودداری کنند زیرا این خصلت‌های ناپسند بدون تردید در تصمیمات و اقدامات و اظهار نظرهای آنان مؤثر خواهد بود
۳۱۸. حاکمان نباید به دلیل احساس نیاز به تجربه و توانایی عناصری که با رژیم‌های فاسد گذشته همکاری داشته‌اند، از آنان در اداره کشور استفاده کنند زیرا ایشان هیچ گاه حاکم صالح را خودی نمی‌دانند و با او احساس نزدیکی و صمیمیت نمی‌کنند؛ آنان با بیگانگان بیشتر احساس صمیمیت می‌کنند تا با عناصر صالح و مؤمن

۳۱۹. نزدیک‌ترین مشاوران به حاکم باید کسی باشد که بیش از دیگران حقایق تلخ و ناخوشایند را برای او به صراحت بازگو می‌کند و کمتر از دیگران در انجام خواسته‌های ناصحیح حاکم که از هوای نفس - و نه مصلحت او - نشأت گرفته با وی همکاری می‌کند

۳۲۰. حاکم باید بیشترین رابطه خویش را با انسانهای درست و پرهیزکار و اهل تقوی برقرار کند

۳۲۱. حاکم باید اطرافیان خود را عادت دهد که او را تملق نگویند و ستایش زیاد نکنند و او را نسبت به انجام کارهای خوب و یا نسبت به انجام ندادن کارهای نادرست، زیاده از حد تمجید نکنند

۳۲۲. حاکم باید مراقب باشد که نیکوکاران و زشت‌کاران را همسان نبیند که این روش اهل خیر و نیکی را نومید و بدکاران را جری و جسور می‌سازد

۳۲۳. احسان حاکم بر مردم و کم کردن فشار مالیات بر آنان، محبت و خوش‌بینی او نسبت به مردم را بیشتر می‌کند و رابطه‌ای خوب میان آنان برقرار می‌کند

۳۲۴. حاکم باید آداب اجتماعی شایسته‌ای را که در کشور و در میان مردم رواج دارد پاسداری و تقویت کند و از پایه‌گذاری و تقویت آداب ناصحیح خودداری کند

۳۲۵. حاکم در اداره کشور و حل مشکلات آن از علم و دانش اندیشمندان کمک بگیرد و با اهل علم و دانش ارتباطی دقیق و دائمی برقرار کند

۳۲۶. حاکم باید به درستی ویژگی‌های تمام اقشار جامعه را بشناسد و حقوق هر یک را آن چنانکه در اسلام سفارش شده رعایت نماید

۳۲۷. بزرگترین موفقیت حاکمان، برقراری عدالت در شهرها و پیدایش

دوستی و صمیمیت در میان توده مردم (نسبت به حاکمان) است

۳۲۸. شرط خیرخواهی و همراهی مردم با حاکمان آن است که از

مسائل مربوط به حکومت و حاکمان بی اطلاع نباشند و روش و شیوه

حاکمان را درست و قابل قبول بپندارند و تحمل آن را بر خود دشوار

نبینند

۳۲۹. حاکمان باید یکسره مردم خویش را ستایش کنند و کارهای

برجسته و سخت آنها را نام ببرند و تقدیر نمایند

۳۳۰. نباید مقام و منزلت بالای کسی موجب شود که حاکم کار ارزنده

او را بیشتر بستاید و یا شأن اجتماعی پائین کسی باعث شود کار پر ارزش

او کمتر ارج نهاده شود و نباید کار نیک کسی به پای دیگری گذاشته

شود

۳۳۱. حاکم باید در هر تصمیمی که درستی آن را نمی شناسد، از کتاب

خداوند و سنت پیامبر راهنمایی بخواهد و به جای سلیقه و دلخواه خود و

دیگران، از آیات محکم قرآن و روش و گفتار روشن پیامبر (ص) پیروی

کند

۳۳۲. حاکم باید کار قضاوت را به برترین و شایسته ترین انسانها بسپارد و

خود بر قضاوت آنان نظارت کند

۳۳۳. حاکم باید حقوق مکفی به قضاوت پرداخت کند تا آنجا که هیچ

مشکلی در معیشت نداشته باشند

۳۳۴. قضات باید از امنیت شغلی و اعتبار و منزلت اجتماعی والا

برخوردار باشند تا در مقابل فشارهایی که بر آنان وارد می شود قدرت

ایستادگی کامل داشته باشند

۳۳۵. حاکم باید مدیران کشور را با معیار توانایی و صلاحیت و براساس
اختبار و موفقیت در آزمایش و از اهل تجربه و حیا و از میان
خانواده‌های صالح و با سابقه دین‌داری انتخاب کند
۳۳۶. انتخاب مدیران براساس دوستی و منافع شخصی هم خیانت در
امانتی است که به آنان سپرده شده و هم ظلم بر مردمی است که افرادی
ناصالح بر آنان گمارده می‌شوند
۳۳۷. زندگی مدیران باید به نحو شایسته‌ای اداره شود تا آنان را از
خیانت در بیت‌المال بی‌نیاز سازد و توانشان را برای کار افزایش دهد
۳۳۸. باید بر کار مدیران و مسئولان ناظرانی پاک و مورد اعتماد گمارده
شوند که پنهانی بر درستی کارشان و بر مهربانی آنان با مردم نظارت کنند
۳۳۹. در صورت شهادت همه ناظران بر خیانت کسی از مدیران و
مسئولان، حاکم باید در کیفر وی کوتاهی نکرده و او را به جرم خیانتش
در ذلت افکند و ننگ خیانت را بر گردنش بیاویزد
۳۴۰. باید توجه حاکمان بیش از گرفتن مالیات، به آبادانی کشور و
سرزمین‌ها باشد و مراعات سبکی مالیات و رفق بر رعیت را بکنند زیرا
بدون آبادانی کشور، گرفتن مالیات کشور را ویران می‌کند
۳۴۱. حاکم باید بر امور تجارت و بازرگانی نظارت کند و با اعمال
نظارت و کنترل بر این بخش، از احتکار و سایر عوامل رشد بی‌رویه
قیمت‌ها جلوگیری کند
۳۴۲. رسیدگی به امور محرومان و مستمندان و ناتوانان جامعه از
مهم‌ترین مسئولیت‌های حاکم است. حاکم باید بخشی از بیت‌المال را
برای رفع نیاز این قشر اختصاص دهد

۳۴۳. انجام کارهای بزرگ در کشور به هیچ وجه عذر و بهانه برای کم

توجهی به رفع محرومیت از این قشر نیست

۳۴۴. حاکم باید شخصاً وقتی را برای رسیدگی به امور کسانی که برای

حل مشکلات خود به وی مراجعه می کنند مشخص کند دیداری عمومی

را برای این کار با حضور خود و مسئولان ذی ربط به طور منظم ترتیب

دهد و در آن دیدار، خود با تواضع بنشیند تا هر صاحب حاجتی بتواند

بدون هیچ واژه و ترس و لکنت زبانی خواسته اش را اظهار کند

۳۴۵. اگر کسی در اظهار حاجت خود تندی کرد باید حاکم آن را با

تواضع تحمل کند و آنگاه خواسته های ممکن آنان را با شیرینی عملی

سازد و نسبت به خواسته های ناممکن با خوشرویی و زیبایی عذرخواهی

کند

۳۴۶. حاکم باید بهترین وقت خود را به عبادت خداوند اختصاص دهد

۳۴۷. حاکم باید نمازهای جماعت و جمعه را امامت کند و در انجام آن

حال مردان و زنان ناتوان را رعایت کند و نماز را طولانی نسازد

۳۴۸. حاکم نباید حضورش در میان مردم کم و رابطه اش با مردم اندک

باشد نتیجه کاهش حضور وی از یک سو، کم شدن اطلاع حاکم از

اوضاع کشور و وضعیت مردم و از طرف دیگر، ضعف آگاهی مردم از

امور حکومت است

۳۴۹. حاکم باید نسبت به دست اندازی نزدیکان و بستگان خود به

بیت المال و ترجیح منافع شخصی و اعمال تبعیض نسبت به دیگران از

سوی آنان نگران باشد و با برخورد قاطع خود، این گونه رفتار غیر عادلانه

را ریشه کن سازد

۳۵۰. حاکم پس از پیمان صلح با دشمن باید تمام نیروی خویش را برای زیر نظر داشتن دشمن به کار گیرد و لحظه‌ای بدینی خود به دشمن را به خوش بینی مبدل نکند و از احتمال نیرنگ دشمن هیچ گاه غافل نشود و حزم و احتیاط را رها نکند
۳۵۱. حاکم باید از ریختن خونی بناحق بر حذر باشد زیرا هیچ کاری بیش از خون بناحق ریخته کیفر ندارد
۳۵۲. علاقه به ستایش و تملق، بهترین فرصت شیطان برای نابودی کارهای نیک نیکوکاران است پس حاکم باید از آن پرهیزد
۳۵۳. منت نهادن به مردم به خاطر خدمتی که حاکم به آنان می‌کند؛ بزرگ دیدن کارهایی که در کشور انجام می‌دهد و وفا نکردن به وعده‌هایی که به مردم می‌دهد، سه آفتی است که حاکم باید خود را از آنها دور نگاه دارد
۳۵۴. حاکم باید از اینکه از امکانات و شرایطی که همگان در آن مساوی هستند به طور ویژه و اختصاصی استفاده کند و خود را در آن امتیاز بخشد خودداری کند.

پیوست ۲

وظایف استادان و معلمان

(از کتاب مَنیه المرید - تالیف شهید ثانی)

۳۵۵. پذیرفتن سخن و نظر صحیح پس از فهمیدن نادرستی نظر خود در
حین تدریس

۳۵۶. با تامل کافی به پرسش های پاسخ دادن
۳۵۷. عدم اقدام به تدریس پیش از تسلط کامل بر موضوع درس
۳۵۸. عمل کردن به دانسته ها و علومی که متصدی آموزش آنها شده
- ایم
۳۵۹. تحمیل نکردن دیدگاه ها و نظرات علمی خود در کلاس و در
- مباحثات علمی
۳۶۰. دریغ نداشتن دانش خود و خودداری نکردن از تعلیم در جایی که
- منفعتی عاید نمی سازد.
۳۶۱. در برابر به انحراف رفتن متعلم در مسیر علمی و یا زندگی احساس
- مسئولیت پدرانانه کردن
۳۶۲. متواضعانه برخورد کردن با متعلمان
۳۶۳. رعایت حسن خلق و با چهره باز در کلاس حاضر شدن
۳۶۴. رعایت وقار استادی و لباس سبک پوشیدن
۳۶۵. متکبرانه ننشستن
۳۶۶. نیت خود را خالص کردن و برای منافع دنیایی و شهرت درس
- نگفتن
۳۶۷. رعایت شرایط متعلمان در توضیح (بیحوصلگی و یا پرچانگی
- نکردن در بحث)
۳۶۸. عدم تبعیض میان متعلمان در پاسخ گفتن به سوالاتشان و در
- تشویق ها
۳۶۹. عکس العمل منفی نشان ندادن در برابر سوال بیجا و کم ارزش
- متعلم
۳۷۰. پذیرفتن نظر و یا ایراد درست متعلم

۳۷۱. کم اعتبار نساختن دانش های دیگر در نظر متعلمان
۳۷۲. ناراحت نشدن از انتخاب استاد دیگر از سوی متعلم
۳۷۳. تشویق کردن متعلمان شایسته از نظر علم و اخلاق
۳۷۴. پیجویی علت ضعف درسی متعلم و تلاش برای رفع آن
۳۷۵. رعایت ادب در کلمات و تعبیرات
۳۷۶. برخورد ملایم و نرم در مقابل سخن تند متعلم و عکس العمل نشان

ندادن

۳۷۷. گوش دادن به پرسش ها و سخنان متعلمان
۳۷۸. سلام کردن به حاضران هنگام ورود
۳۷۹. نام و یاد خدا هنگام ورود به کلاس و هنگام آغاز کردن درس
۳۸۰. کم حوصلگی نکردن در برابر پرسش کننده ای که نمی تواند نظر خود را به سرعت و سهولت بیان کند (بلکه بجای آن که بگوید نمی فهمم چه می گویی! به او کمک کند و بگوید آیا منظورت این است؟)
۳۸۱. در مقابل سوالی که پاسخش را نمی داند صریحا بگوید نمی دانم
۳۸۲. اگر پیش از پایان درس نادرستی سخنی که پیش از آن گفته را فهمید در همان جلسه نادرستی سخن خود را اعلام کند.

پیوست ۳

رساله حقوق امام سجاد ع:

اعْلَمْ رَحِمَكَ اللَّهُ أَنْ لِلَّهِ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ؛ فَبِكُلِّ حَرَكَةٍ تَحَرَّكَتَهَا
أَوْ سَكَنَةٍ سَكَنْتَهَا أَوْ مَنْزَلَةٍ نَزَلْتَهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبْتَهَا أَوْ آلَةٍ تَصَرَّفْتَ بِهَا لِلَّهِ
عَلَيْكَ حُقُوقٌ { بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ.

حق خداوند

۱. فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَانْكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ
جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ
مِنْهَا.

حق تن و اعضای بدن ما

حق هر فرد بر خودش:

۲. وَ أَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنْ تَسْتَوْفِيهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَتُؤَدِّيَ إِلَيْ لِسَانِكَ
حَقَّهُ وَ إِلَى سَمْعِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى بَصَرِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى يَدِكَ حَقَّهَا وَ إِلَى
رِجْلِكَ حَقَّهَا وَ إِلَى بَطْنِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى فَرْجِكَ حَقَّهُ وَ تَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى
ذَلِكَ

حق زبان:

۳. وَ أَمَّا حَقُّ اللِّسَانِ فَإِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنَا وَ تَعْوِيدُهُ عَلَى الْخَيْرِ وَ حَمْلُهُ عَلَى الْأَدَبِ
وَ إِجْمَامُهُ إِلَّا لِمَوْضِعِ الْحَاجَةِ وَ الْمَنْفَعَةِ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ إِعْفَاؤُهُ مِنَ الْفُضُولِ
السَّعَةِ الْقَلِيلَةِ الْفَائِدَةِ الَّتِي لَا يُؤْمَنُ ضَرَرُهَا مَعَ قَلَّةِ عَائِدَتِهَا وَ بُعْدِ شَاهِدِ الْعَقْلِ

وَ الدَّلِيلِ عَلَيْهِ وَ تَزِينُ الْعَاقِلِ بِعَقْلِهِ حُسْنُ سِيرَتِهِ فِي لِسَانِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

حق گوش:

٤. وَ أَمَّا حَقُّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهِهُ [عَنْ] أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقاً إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفَوْهَةِ كَرِيمَةٍ
تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْراً أَوْ تُكْسِبُ خُلُقاً كَرِيماً فَإِنَّهُ بَابُ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ
يُؤَدِّي بِهِ ضُرُوبُ الْمَعَانِي عَلَى مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق چشم:

٥. وَ أَمَّا حَقُّ بَصَرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ تَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ
تَسْتَقْبَلُ بِهَا بَصِراً أَوْ تَعْتَقِدُ بِهَا عِلْماً فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ

حق پا:

٦. وَ أَمَّا حَقُّ رِجْلِكَ فَإِنَّ لَا تَمْشِي بِهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ لَا تَجْعَلَهَا مَطِيَّتَكَ
فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَحَقَّةِ بِأَهْلِهَا فِيهَا فَإِنَّهَا حَامِلَتُكَ وَ سَالِكَةُ بَيْتِكَ الْمَسْلُوكِ الدِّينِ
وَ السَّبْقِ لَكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق دستان:

٧. وَ أَمَّا حَقُّ يَدِكَ فَإِنَّ لَا تَبْسُطَهَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ [فَتَنَالِ] بِمَا تَبْسُطُهَا إِلَيْهِ
مِنْ (يَدِ) الْعُقُوبَةِ فِي الْآجِلِ وَ مِنَ النَّاسِ بِلِسَانِ اللَّائِمَةِ فِي الْعَاجِلِ وَ لَا
تَقْبِضْهَا مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَ لَكِنْ تُوقِّرْهَا بِقَبْضِهَا عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا لَا يَحِلُّ
لَهَا وَ تَبْسُطْهَا إِلَى كَثِيرٍ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهَا فَإِذَا هِيَ قَدْ عَقَلَتْ وَ شُرِفَتْ فِي
الْعَاجِلِ وَ جَبَّ لَهَا حُسْنُ الثَّوَابِ مِنَ اللَّهِ فِي الْآجِلِ

حق شكم:

٨ وَ أَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنْ لَمْ تَجْعَلْهُ وَعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ وَ أَنْ تَقْتَصِرَ لَهُ فِي الْحَلَالِ وَلَا تُخْرِجَهُ مِنْ حَدِّ التَّهْوِينِ إِلَى حَدِّ التَّهْوِينِ وَ ذَهَابِ الْمُرُوءَةِ وَ ضَبْطُهُ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَ الظَّمِّ فَإِنَّ الشَّبْعَ الْمُنتَهَى بِصَاحِبِهِ [إِلَى التَّخَمِ] مَكْسَلَةٌ وَ مَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ عَنْ كُلِّ بَرٍّ وَ كَرَمٍ وَ أَنْ الرِّىَّ الْمُنتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مَسْخَفَةٌ وَ مَجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْمُرُوءَةِ

حق غريزه جنسى

٩ وَ أَمَّا حَقُّ فَرْجِكَ فَحِفْظُهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ الْإِسْتِعَانَةُ عَلَيْهِ بِغَضِّ الْبَصْرِ فَإِنَّهُ مِنْ أَعْوَانِ الْأَعْوَانِ وَ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ التَّهَدُّدِ لِنَفْسِكَ بِاللَّهِ وَ التَّخْوِيفِ لَهَا بِهِ وَ بِاللَّهِ الْعِصْمَةَ وَ التَّأْيِيدُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ.

حقوق کارهای ما بر گردن ما

ثُمَّ حُقُوقُ الْأَفْعَالِ

حق نماز

١٠ فَأَمَّا حَقُّ الصَّلَاةِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَ أَنَّكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الرَّاعِبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمِسْكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَ الْإِطْرَاقِ وَ خُشُوعِ الْأَطْرَافِ وَ لِينِ الْجَنَاحِ وَ حُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَ الطَّلَبِ إِلَيْهِ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهَا خَطِيئَتُكَ وَ اسْتَهْلَكْتَهَا ذُنُوبُكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق روزه

١١ وَ أَمَّا حَقُّ الصَّوْمِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ حِجَابٌ ضَرَبَهُ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمِعَكَ وَ بَصَرَكَ وَ فَرْجَكَ وَ بَطْنِكَ لِيَسْتُرَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ وَ هَكَذَا جَاءَ

فِي الْحَدِيثِ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ فَإِنْ سَكَنْتَ أَطْرَافَكَ فِي حَجَبَتِهَا رَجَوْتَ أَنْ تَكُونَ مَحْجُوبًا وَإِنْ أَنْتَ تَرَكْتَهَا تَضَطَّرِبُ فِي حِجَابِهَا وَتَرْفَعُ جَنَابَاتِ الْحِجَابِ فَتَطَّلِعُ إِلَى مَا لَيْسَ لَهَا بِالنَّظَرِ الدَّاعِيَةَ لِلشَّهْوَةِ وَالْقُوَّةَ الْخَارِجَةَ عَنِ حَدِّ التَّقِيَّةِ لِلَّهِ لَمْ تَأْمَنْ أَنْ تَحْرِقَ [الْحِجَابَ] وَتَخْرُجَ مِنْهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق صدقه و کارهای خیر

۱۲. وَ أَمَّا حَقُّ الصَّدَقَةِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهَا ذُخْرُكَ عِنْدَ رَبِّكَ وَ وَدِيعَتُكَ الَّتِي لَا تَحْتَاجُ إِلَى الْإِشْهَادِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ بِمَا اسْتَوْدَعْتَهُ سِرًّا أَوْثَقَ بِمَا اسْتَوْدَعْتَهُ عَلَانِيَةً وَ كُنْتَ جَدِيرًا أَنْ تَكُونَ أَسْرَرْتَ إِلَيْهِ أَمْرًا أَعْلَنْتَهُ وَ كَانَ الْأَمْرُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ فِيهَا سِرًّا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَمْ تَسْتَظْهِرْ عَلَيْهِ فِيمَا اسْتَوْدَعْتَهُ مِنْهَا إِشْهَادَ الْأَسْمَاعِ وَ الْأَبْصَارِ عَلَيْهِ بِهَا كَأَنَّهَا أَوْثَقُ فِي نَفْسِكَ لَا كَأَنَّكَ لَا تَثِقُ بِهِ فِي تَأْدِيَةِ وَدِيعَتِكَ إِلَيْكَ ثُمَّ لَمْ تَمَنَّ بِهَا عَلَى أَحَدٍ لِأَنَّهَا لَكَ فَإِذَا امْتَنَنْتَ بِهَا لَمْ تَأْمَنْ أَنْ تَكُونَ بِهَا مِثْلَ تَهْجِينِ حَالِكَ مِنْهَا إِلَى مَنْ مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْهِ لِأَنَّ فِي ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى أَنَّكَ لَمْ تُرِدْ نَفْسَكَ بِهَا وَ لَوْ أَرَدْتَ نَفْسَكَ بِهَا لَمْ تَمَنَّ بِهَا عَلَى أَحَدٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق قربانی در راه خدا

۱۳. وَ أَمَّا حَقُّ الْهَدْيِ فَإِنْ تُخْلِصَ بِهَا الْإِرَادَةَ إِلَى رَبِّكَ وَ التَّعَرُّضَ لِرَحْمَتِهِ وَ قَبُولَهُ وَ لَا تُرِيدَ عِيُونَ النَّاطِرِينَ دُونَهُ فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ لَمْ تَكُنْ مُتَكَلِّفًا وَ لَا مُتَصَنِّعًا وَ كُنْتَ إِنَّمَا تَقْصِدُ إِلَى اللَّهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يُرَادُ بِالْيَسِيرِ وَ لَا يُرَادُ بِالْعَسِيرِ كَمَا أَرَادَ بِخَلْقِهِ التَّيْسِيرَ وَ لَمْ يُرِدْ بِهِمُ التَّعْسِيرَ وَ كَذَلِكَ التَّنْذِيلُ أَوْلَى بِكَ مِنَ التَّدَهُّقِ لِأَنَّ الْكُلْفَةَ وَ الْمُتُونَةَ فِي الْمُتَدَهِّقِينَ فَأَمَّا التَّنْذِيلُ وَ التَّمَسُّكُ فَلَا كُلْفَةَ فِيهِمَا وَ لَا مُتُونَةَ عَلَيْهِمَا لِأَنَّهُمَا الْخَلْقَةُ وَ هُمَا مَوْجُودَانِ فِي الطَّبِيعَةِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حقوق هادیان و راهبران

ثُمَّ حُقُوقُ الْأَئِمَّةِ

حق رهبران سیاسی

۱۴. فَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّكَ جُعِلْتَ لَهُ فِتْنَةً وَ أَنَّهُ مُبْتَلَىٰ فِيكَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ [لَهُ] عَلَيْكَ مِنَ السُّلْطَانِ وَ أَنْ تُخْلِصَ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَنْ لَا تُمَاحِكَهُ وَ قَدْ بُسِطَ يَدُهُ عَلَيْكَ فَتَكُونَ سَبَبَ هَلَاكِ نَفْسِكَ وَ هَلَاكِهِ وَ تَذَلُّ وَ تَلَطَّفُ لِإِعْطَائِهِ مِنَ الرِّضَىٰ مَا يَكْفِيهِ عَنكَ وَ لَا يُضِرُّ بِدِينِكَ وَ تَسْتَعِينُ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ بِاللَّهِ وَ لَا تُعَادِيهِ وَ لَا تُعَانِدُهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ عَقَبْتَهُ وَ عَقَبْتَ نَفْسَكَ فَعَرَضْتَهَا لِمَكْرُوهِهِ وَ عَرَضْتَهُ لِلْهَلَاكَةِ فِيكَ وَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَكُونَ مُعِينًا لَهُ عَلَىٰ نَفْسِكَ وَ شَرِيكًا لَهُ فِيمَا أَتَىٰ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق راهبران علمی

وَ أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالْتَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالُ عَلَيْهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ عَلَىٰ نَفْسِكَ فِيمَا لَا غِنَىٰ بِكَ عَنْهُ مِنَ الْعِلْمِ بِأَنْ تُفْرَغَ لَهُ عَقْلُكَ وَ تُحَضَّرَهُ فَهَمَّكَ وَ تُذَكِّيَ لَهُ [قَلْبِكَ] وَ تُجَلِّيَ لَهُ بَصَرَكَ بِتَرْكِ اللَّذَاتِ وَ نَقْصِ الشَّهَوَاتِ وَ أَنْ تَعَلَّمَ أَنَّكَ فِيمَا أَلْقَىٰ إِلَيْكَ رَسُولُهُ إِلَىٰ مَنْ لَقِيكَ مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ فَلزِمَكَ حُسْنُ التَّأْدِيَةِ عَنْهُ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَخُنْهُ فِي تَأْدِيَةِ رِسَالَتِهِ وَ الْقِيَامِ بِهَا عَنْهُ إِذَا تَقَلَّدَتْهَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حقوق سایر مردمان

ثُمَّ حُقُوقُ الرَّعِيَّةِ

حقوق افراد تحت فرمان

١٥. فَأَمَّا حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ إِنَّمَا اسْتَرَعَيْتَهُمْ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ إِنَّمَا أَحَلَّهُمْ مَحَلَّ الرَّعِيَّةِ لَكَ ضَعْفُهُمْ وَذُلُّهُمْ فَمَا أَوْلَى مَنْ كَفَاكَهُ ضَعْفُهُ وَذُلُّهُ حَتَّى صَيَّرَهُ لَكَ رَعِيَّةً وَصَيَّرَ حُكْمَكَ عَلَيْهِ نَافِذاً لَأَ يَمْتَنِعَ مِنْكَ بِعِزَّةٍ وَ لَأَ قُوَّةً وَ لَأَ يَسْتَنْصِرُ فِيمَا تَعَاظَمَهُ مِنْكَ إِلَّا بِاللَّهِ بِالرَّحْمَةِ وَ الْحَيَاةِ وَ الْآنَاءِ وَ مَا أَوْلَاكَ إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَ الْقُوَّةِ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا وَ مَنْ شَكَرَ اللَّهُ أَعْطَاهُ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ وَ لَأَ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق افراد تحت تعليم

١٦. وَ أَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ وَ لَأَ كَ مِنْ خِزَانَةِ الْحِكْمَةِ فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِيمَا وَ لَأَ كَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُتِمَتْ بِهِ لَهُمْ مَقَامَ الْخَازِنِ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاهُ فِي عِبِيدِهِ الصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ الَّذِي إِذَا رَأَى ذَا حَاجَةٍ أَخْرَجَ لَهُ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فِي يَدَيْهِ [كُنْتَ] رَاشِداً وَ كُنْتَ لِذَلِكَ آمِلاً مُعْتَقِداً وَ إِلَّا كُنْتَ لَهُ خَائِناً وَ لِخَلْقِهِ ظَالِماً وَ لِسَلْبِهِ وَ عِزِّهِ مُتَعَرِّضاً

حق همسر

١٧. وَ أَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَ طَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحَبَّتْ وَ كَرِهَتْ (مَا لَمْ تَكُنْ) مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قِضَاءَ اللَّذَّةِ الَّتِي لَأَ بُدَّ مِنْ قِضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَأَ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق مادر

١٨. فَحَقُّ أُمِّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَأَ يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ
أَطَعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرِهِ قَلْبَهَا مَا لَأَ يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَنَّهَا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَ
بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رِجْلِهَا وَ شَعْرِهَا وَ بَشَرِهَا وَ جَمِيعَ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً
بِذَلِكَ فَرِحَةً مُؤَمَّلَةً مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَ أَلْمَهَا وَ ثَقُلَهَا وَ غَمُّهَا حَتَّى
دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجَتْ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَّتَ أَنْ تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ
هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرَى وَ تُرْوِيكَ وَ تَظْمَأَ وَ تَظْلِكَ وَ تَضْحَى وَ تَنَعَّمَكَ
بِؤْسِهَا وَ تَلَذَّذَكَ بِالنَّوْمِ بِأَرْقِهَا وَ كَانَ بَطْنُهَا لَكَ وَ عَاءٌ وَ حُجْرُهَا لَكَ حِوَاءٌ
وَ ثَدْيُهَا لَكَ سِقَاءٌ وَ نَفْسُهَا لَكَ وَ قَاءٌ تَبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا لَكَ وَ دُونَكَ
فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَأَ تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ

حق پدر

١٩. وَ أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنَّكَ فَرَعُهُ وَ أَنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ
تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ
عَلَيْكَ فِيهِ وَ أَحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ [وَ لَأَ قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ]

حق فرزند

٢٠. وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا
بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ إِلَى رَبِّهِ وَ
الْمُعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ
فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ يَحْسُنْ أَثْرُهُ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَذَّرُ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا
بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَأَ قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ

حق برادر

٢١. وَ أَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ يَدُوكَ الَّتِي تَبْسُطُهَا وَ ظَهْرُكَ الَّذِي تَلْجَأُ إِلَيْهِ وَ عِزُّكَ الَّذِي تَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَ قُوَّتُكَ الَّتِي تَصُولُ بِهَا وَ لَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحاً عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ لَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ بِحَقِّ اللَّهِ وَ لَا تَدْعُ نُصْرَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَعُونَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ الْحَوْلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ شَيَاطِينِهِ وَ تَأْدِيَةَ النَّصِيحَةِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ فَإِنْ انْقَادَ لِرَبِّهِ وَ أَحْسَنَ الْإِجَابَةَ لَهُ وَ إِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ آثَرَ عِنْدَكَ وَ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ

حق کسانی که به ما نیکی کرده اند

٢٢. وَ أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَ تَنْشُرَ لَهُ الْمَقَالَهَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرّاً وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ أَمَكْنَ مَكَافَاتُهُ بِالْفِعْلِ كَفَاتَتْهُ وَ إِلَّا كُنْتَ مَرْصِداً لَهُ مُوَطَّئاً نَفْسَكَ عَلَيْهَا

حق مؤذن و امام جماعت مسجد

٢٣. وَ أَمَّا حَقُّ الْمُؤَذِّنِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مُذَكِّرُكَ بِرَبِّكَ وَ دَاعِيكَ إِلَى حَظِّكَ مَتَّهَمًا لِذَلِكَ لَمْ تَكُنْ لِلَّهِ فِي أَمْرِهِ مَتَّهَمًا وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ لَا شَكَّ فِيهَا فَأَحْسِنْ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَيْهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

٢٤. وَ أَمَّا حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ قَدْ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ الْوَفَادَةَ إِلَى رَبِّكَ وَ تَكَلَّمَ عَنْكَ وَ لَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَ دَعَا لَكَ وَ لَمْ تَدْعُ لَهُ وَ طَلَبَ فِيكَ وَ لَمْ تَطْلُبْ فِيهِ وَ كَفَاكَ هَمَّ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ الْمُسَاءَلَةِ لَهُ فِيكَ وَ لَمْ تَكْفِهِ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ تَقْصِيرٌ كَانَ بِهِ دُونُكَ وَ إِنْ كَانَ آثِماً لَمْ تَكُنْ شَرِيكُهُ فِيهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ

عَلَيْهِ فَضْلٌ فَوْقَى نَفْسِكَ بِنَفْسِهِ وَ وَقَى صَلَاتَكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرَ لَهُ عَلَى ذَلِكَ
وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق هم صحبت و همنشین در یک مجلس

۲۵. وَ [أَمَّا] حَقُّ الْجَلِيسِ فَأَنْ تُلِينَ لَهُ كَنَفَكَ وَ تُطِيبَ لَهُ جَانِبَكَ وَ
تُنْصِفَهُ فِي مُجَارَاهِ اللَّفْظِ وَ لَا تُغْرِقَ [فِي] نَزْعِ اللَّحْظِ إِذَا لَحَظْتَ وَ تَقْصِدَ فِي
اللَّفْظِ إِلَى إِفْهَامِهِ إِذَا لَفَظْتَ وَ إِنْ كُنْتَ الْجَلِيسَ إِلَيْهِ كُنْتَ فِي الْقِيَامِ عَنْهُ
بِالْخِيَارِ وَ إِنْ كَانَ الْجَالِسَ إِلَيْكَ كَانَ بِالْخِيَارِ وَ لَا تَقُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ

حق همسایه

۲۶. وَ أَمَّا حَقُّ الْجَارِ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ كَرَامَتُهُ شَاهِدًا وَ نُصْرَتُهُ وَ مَعُونَتُهُ فِي
الْحَالَيْنِ جَمِيعًا لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَةً وَ لَا تَبْحَثْ لَهُ عَنْ سَوَاءٍ لَتَعْرِفَهَا فَإِنْ عَرَفْتَهَا
مِنْهُ مِنْ غَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْكَ وَ لَا تَكْلُفْ كُنْتَ لِمَا عَلِمْتَ حِصْنًا حَصِينًا وَ سِتْرًا
سَتِيرًا لَوْ بَحَثْتَ الْأَسِنَّةَ عَنْهُ ضَمِيرًا لَمْ تَصِلْ إِلَيْهِ لِأَنْطَوَائِهِ عَلَيْهِ لَا تَسْمَعْ عَلَيْهِ
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شَدِيدِهِ وَ لَا تَحْسُدُهُ عِنْدَ نِعْمَةٍ تَقِيلُ عَثْرَتَهُ وَ
تَغْفِرُ زَلَّتَهُ وَ لَا تَدْخِرْ حِلْمَكَ عَنْهُ إِذَا جَهِلَ عَلَيْكَ وَ لَا تَخْرُجْ أَنْ تَكُونَ
سِلْمًا لَهُ تَرُدُّ عَنْهُ لِسَانَ الشَّتِيمَةِ وَ تُبْطِلُ فِيهِ كَيْدَ حَامِلِ النَّصِيحَةِ وَ تُعَاشِرُهُ
مُعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق همراه و همسفر

۲۷. وَ أَمَّا حَقُّ الصَّاحِبِ فَأَنْ تَصْحَبَهُ بِالْفَضْلِ مَا وَجَدْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ إِلَّا فَلَا
أَقْلَ مِنْ الْإِنْصَافِ وَ أَنْ تُكْرِمَهُ كَمَا يُكْرِمُكَ وَ تَحْفَظُهُ كَمَا يَحْفَظُكَ وَ لَا
يَسْبِقُكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ إِلَى مَكْرَمَةٍ فَإِنْ سَبَقَكَ كَأَفَاتِهِ وَ لَا تَقْصِدْ بِهِ عَمًّا

يَسْتَحِقُّ مِنَ الْمَوَدَّةِ تُلْزِمُ نَفْسَكَ نَصِيحَتَهُ وَ حَيَاتَتَهُ وَ مُعَاوَدَتَهُ عَلَى طَاعَةِ رَبِّهِ وَ مَعُونَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ فِيمَا لَا يَهُمُّ بِهِ مِنْ مَعْصِيَةِ رَبِّهِ ثُمَّ تَكُونُ [عَلَيْهِ] رَحْمَةً وَ لَا تَكُونُ عَلَيْهِ عَذَابًا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق شريك

٢٨. وَ أَمَّا حَقُّ الشَّرِيكِ فَإِنْ غَابَ كَفَيْتَهُ وَ إِنْ حَضَرَ سَاوَيْتَهُ وَ لَا تَعَزِّمُ عَلَى حُكْمِكَ دُونَ حُكْمِهِ وَ لَا تَعْمَلُ بِرَأْيِكَ دُونَ مُنَاطَرَتِهِ وَ تَحْفَظُ عَلَيْهِ مَالَهُ وَ تَنْفِي عَنْهُ خِيَانَتَهُ فِيمَا عَزَّ أَوْ هَانَ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الشَّرِيكَيْنِ مَا لَمْ يَتَخَاوَنَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق مال

٢٩. وَ أَمَّا حَقُّ الْمَالِ فَإِنْ لَا تَأْخُذُهُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ وَ لَا تُنْفِقُهُ إِلَّا فِي حِلِّهِ وَ لَا تُحَرِّقُهُ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لَا تَصْرِفُهُ عَنْ حَقَائِقِهِ وَ لَا تَجْعَلُهُ إِذَا كَانَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ وَ سَبَبًا إِلَى اللَّهِ وَ لَا تُؤَثِّرَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ مَنْ لَعَلَّهُ لَا يَحْمَدُكَ وَ بِالْحَرِيِّ أَنْ لَا يُحْسِنَ خِلَافَتَهُ فِي تَرْكِتِكَ وَ لَا يَعْمَلَ فِيهِ بِطَاعَةِ رَبِّكَ فَتَكُونَ مُعِينًا لَهُ عَلَى ذَلِكَ وَ بِمَا أَحْدَثَ فِي مَالِكَ أَحْسَنَ نَظْرًا لِنَفْسِهِ فَيَعْمَلَ بِطَاعَةِ رَبِّهِ فَيَذْهَبَ بِالْغَنِيمَةِ وَ تَبُوءَ بِالْإِثْمِ وَ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةَ مَعَ التَّبَعَةِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق طلبكار

٣٠. وَ أَمَّا حَقُّ الْغَرِيمِ الطَّالِبِ لَكَ فَإِنْ كُنْتَ مُوسِرًا أَوْفَيْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ وَ أَعْنَيْتَهُ وَ لَمْ تَرُدُّدْهُ وَ تَمْطُلْهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَطْلُ الْغَنِيِّ ظُلْمٌ وَ إِنْ كُنْتَ مُعْسِرًا أَرْضَيْتَهُ بِحُسْنِ الْقَوْلِ وَ طَلَبْتَ إِلَيْهِ طَلَبًا جَمِيلًا وَ رَدَدْتَهُ عَنْ نَفْسِكَ رَدًّا لَطِيفًا وَ لَمْ تَجْمَعْ عَلَيْهِ ذَهَابَ مَالِهِ وَ سُوءَ مُعَامَلَتِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَوْمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق همکار

۳۱. وَ أَمَّا حَقُّ الْخَلِيطِ فَإِنْ لَا تَعْرَهُ وَ لَا تَغْشُهُ وَ لَا تُكَذِّبُهُ وَ لَا تُغْفِلُهُ وَ لَا تَخْدَعُهُ وَ لَا تَعْمَلْ فِي انْتِقَاضِهِ عَمَلَ الْعَدُوِّ الَّذِي لَا يُبْقَى عَلَى صَاحِبِهِ وَ إِنْ أَطْمَأَنَّ إِلَيْكَ اسْتَقْصَيْتَ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلِمْتَ أَنَّ غَبْنَ الْمُسْتَرْسِلِ رَبًّا [وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ]

حق کسی که ادعای علیه ما دارد

۳۲. وَ أَمَّا حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ فَإِنْ كَانَ مَا يَدَّعِي عَلَيْكَ حَقًّا لَمْ تَنْفَسِخْ فِي حُجَّتِهِ وَ لَمْ تَعْمَلْ فِي إِبْطَالِ دَعْوَتِهِ وَ كُنْتَ خَصْمَ نَفْسِكَ لَهُ وَ الْحَاكِمَ عَلَيْهَا وَ الشَّاهِدَ لَهُ بِحَقِّهِ ذُونَ شَهَادَةِ الشُّهُودِ فَإِنَّ ذَلِكَ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ إِنْ كَانَ مَا يَدَّعِيهِ بَاطِلًا رَفَقْتَ بِهِ وَ رَدَعْتَهُ وَ نَاشَدْتَهُ بِدِينِهِ وَ كَسَرْتَ حَدِيثَهُ عَنْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ أَلْقَيْتَ حَشْوَ الْكَلَامِ وَ لَعَطْتَهُ الَّذِي لَا يَرُدُّ عَنْكَ عَادِيَّةَ عَدُوِّكَ بَلْ تَبُوءُ بِإِثْمِهِ وَ بِهِ يَشْحَذُ عَلَيْكَ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ لِأَنَّ لَفْظَةَ السُّوءِ تَبَعَتْ الشَّرَّ وَ الْخَيْرُ مَقْمَعَةٌ لِلشَّرِّ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق کسی که ادعای علیه او داریم

۳۳. وَ أَمَّا حَقُّ الْخَصْمِ الْمُدَّعِي عَلَيْهِ فَإِنْ كَانَ مَا تَدَّعِيهِ حَقًّا أَجْمَلْتَ فِي مُقَاوَلَتِهِ بِمَخْرَجِ الدَّعْوَى فَإِنَّ لِلدَّعْوَى غِلْظَةً فِي سَمْعِ الْمُدَّعِي عَلَيْهِ وَ قَصْدَتْ قَصْدَ حُجَّتِكَ بِالرَّفْقِ وَ أَمْهَلَ الْمُهْلَةَ وَ أَيْبَنَ الْبَيَانَ وَ أَلْطَفَ اللَّطْفِ وَ لَمْ تَتَشَاغَلْ عَنْ حُجَّتِكَ بِمُنَازَعَتِهِ بِالْقِيلِ وَ الْقَالِ فَتُذْهِبَ عَنْكَ حُجَّتَكَ وَ لَا يَكُونُ لَكَ فِي ذَلِكَ دَرَكٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق کسی که با ما مشورت می کند

۳۴. وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَشِيرِ فَإِنْ حَضَرَكَ لَهُ وَجْهٌ رَأَى جَهْدَتَ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَشْرَتْ إِلَيْهِ بِمَا تَعْلَمُ أَنَّكَ لَوْ كُنْتَ مَكَانَهُ عَمِلْتَ بِهِ وَ ذَلِكَ لِيَكُنْ مِنْكَ فِي رَحْمَةٍ وَ لِيَنْفَتِحَ الْوَحْشَةَ وَ إِنْ الْغَلْظَ يُوحِشُ مَوْضِعَ الْأَنْسِ وَ إِنْ لَمْ يَحْضُرْكَ لَهُ رَأَى وَ عَرَفْتَ لَهُ مَنْ تَثِقُ بِرَأْيِهِ وَ تَرْضَى بِهِ لِنَفْسِكَ ذَلَّتْهُ عَلَيْهِ وَ أَرشَدَتْهُ إِلَيْهِ فَكُنْتَ لَمْ تَأَلُهُ خَيْرًا وَ لَمْ تَدْخِرْهُ نَصْحًا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق مشورت دهنده به ما

۳۵. وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسِيرِ إِلَيْكَ فَلَا تَتَّهَمُهُ بِمَا يُوقِفُكَ عَلَيْهِ مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا هِيَ الْأَرَاءُ وَ تَصَرَّفُ النَّاسِ فِيهَا وَ اخْتِلَافُهُمْ فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ بِالْخِيَارِ إِذَا اتَّهَمْتَ رَأْيَهُ فَأَمَّا تَهْمَتُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ الْمَشَاوَرَةَ وَ لَا تَدْعُ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ إِشْخَاصِ رَأْيِهِ وَ حُسْنِ مَشُورَتِهِ فَإِذَا وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ وَ قَبِلْتَ ذَلِكَ مِنْ أَخِيكَ بِالشُّكْرِ وَ الْإِرْصَادِ بِالْمُكَافَأَةِ فِي مِثْلِهَا إِنْ فَرَعَ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق کسی که می خواهیم او را نصیحت کنیم

۳۶. وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ فَإِنْ حَقَّهُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ عَلَى الْحَقِّ الَّذِي تَرَى لَهُ أَنَّهُ يَحْمِلُ وَ يَخْرُجُ الْمَخْرَجَ الَّذِي يَلِينُ عَلَى مَسَامِعِهِ وَ تَكَلَّمَهُ مِنْ الْكَلَامِ بِمَا يُطِيقُهُ عَقْلُهُ فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَةً مِنَ الْكَلَامِ يَعْرِفُهُ وَ يَجْتَنِبُهُ وَ لِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق نصیحت کننده ما

۳۷. وَ أَمَّا حَقُّ النَّاصِحِ فَإِنْ تُلِينُ لَهُ جَنَاحَكَ ثُمَّ تَشْرَبُ لَهُ قَلْبَكَ وَ تَفْتَحُ لَهُ سَمْعَكَ حَتَّى تَفْهَمَ عَنْهُ نَصِيحَتَهُ ثُمَّ تَنْظُرُ فِيهَا فَإِنْ كَانَ وَفَّقَ فِيهَا لِلصَّوَابِ

حَمِدَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ وَ قَبِلَتْ مِنْهُ وَ عَرَفَتْ لَهُ نَصِيحَتَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ وَفَّقَ لَهَا فِيهَا رَحْمَتَهُ وَ لَمْ تَتَّهَمَهُ وَ عَلِمَتْ أَنَّهُ لَمْ يَأْلُكَ نُصْحًا إِلَّا أَنَّهُ أَخْطَأَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عِنْدَكَ مُسْتَحِقًّا لِلتُّهْمَةِ فَلَا تَعْبَأْ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق بزرگترها

۳۸. وَ أَمَّا حَقُّ الْكَبِيرِ فَإِنَّ حَقَّهُ تَوْقِيرُ سِنِّهِ وَ إِجْلَالُ إِسْلَامِهِ إِذَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْفَضْلِ فِي الْإِسْلَامِ بِتَقْدِيمِهِ فِيهِ وَ تَرْكُ مُقَابَلَتِهِ عِنْدَ الْخِصَامِ وَ لَا تَسْبِقُهُ إِلَى طَرِيقٍ وَ لَا تُوَمِّمَهُ فِي طَرِيقٍ وَ لَا تَسْتَجْهَلُهُ وَ إِنْ جَهَلَ عَلَيْكَ تَحَمَّلْتَ وَ أَكْرَمْتَهُ بِحَقِّ إِسْلَامِهِ مَعَ سِنِّهِ فَإِنَّمَا حَقُّ السِّنِّ بِقَدْرِ الْإِسْلَامِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق کوچکترها

۳۹. وَ أَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَ تَثْقِيفُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَفْوُ عَنْهُ وَ السُّتْرُ عَلَيْهِ وَ الرَّفْقُ بِهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ وَ السُّتْرُ عَلَى جَرَائِرِ حَدَاثَتِهِ فَإِنَّهُ سَبَبُ لِلتَّوْبَةِ وَ الْمُدَارَاةُ لَهُ وَ تَرْكُ مُمَاحَكَتِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى لِرُشْدِهِ

حق نیازمندی که از ما کمک می خواهد

۴۰. وَ أَمَّا حَقُّ السَّائِلِ فَأِعْطَاؤُهُ إِذَا تَهَيَّأَتْ صَدَقَةٌ وَ قَدَرْتَ عَلَى سَدِّ حَاجَتِهِ وَ الدُّعَاءُ لَهُ فِيمَا نَزَلَ بِهِ وَ الْمُعَاوَنَةُ عَلَى طَلِبَتِهِ وَ إِنْ شَكَّكَتَ فِي صِدْقِهِ وَ سَبَقَتْ إِلَيْهِ التُّهْمَةُ لَهُ وَ لَمْ تَعْزِمِ عَلَى ذَلِكَ وَ لَمْ تَأْمَنْ أَنْ يَكُونَ مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ أَرَادَ أَنْ يَصُدَّكَ عَنْ حَظِّكَ وَ يَحُولَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ التَّقَرُّبِ إِلَى رَبِّكَ تَرَكْتَهُ بِسُتْرِهِ وَ رَدَدْتَهُ رَدًّا جَمِيلًا وَ إِنْ غَلَبَتْ نَفْسُكَ فِي أَمْرِهِ وَ أَعْطَيْتَهُ عَلَى مَا عَرَضَ فِي نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

حق کسی که از او درخواست کمک کرده ایم

۴۱. وَ أَمَّا حَقُّ الْمَسْئُولِ فَحَقُّهُ إِنْ أُعْطِيَ قَبْلَ مِنْهُ مَا أُعْطِيَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ الْمَعْرِفَةِ لِفَضْلِهِ وَ طَلَبِ وَجْهِ الْعُذْرِ فِي مَنْعِهِ وَ أَحْسِنَ بِهِ الظَّنَّ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ إِنْ مَنَعَ مَالَهُ مَنَعَ وَ أَنْ لَيْسَ الشَّرِيبُ فِي مَالِهِ وَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَإِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

حق هر کسی که به ما خوبی کرده

۴۲. وَ أَمَّا حَقُّ مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدَهَا لَكَ حَمِدَتَ اللَّهُ أَوْلًا ثُمَّ شَكَرْتَهُ عَلَى ذَلِكَ بِقَدْرِهِ فِي مَوْضِعِ الْجَزَاءِ وَ كَافَاتِهِ عَلَى فَضْلِ الْإِبْتِدَاءِ وَ أَرُصِدَتْ لَهُ الْمُكَافَأَةُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ تَعَمَّدَهَا حَمِدَتَ اللَّهُ وَ شَكَرْتَهُ وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْهُ تَوَحَّدَكَ بِهَا وَ أَحْبَبْتَ هَذَا إِذَا كَانَ سَبِيًّا مِنْ أَسْبَابِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ تَرَجُّوْا لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرًا فَإِنَّ أَسْبَابَ النِّعَمِ بَرَكَهٌ حَيْثُ مَا كَانَتْ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْمِدْ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق کسی که به ما بدی کرده است

۴۳. وَ أَمَّا حَقُّ مَنْ سَاءَ لَكَ الْقَضَاءُ عَلَى يَدَيْهِ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدَهَا كَانَ الْعَفْوُ أَوْلَى بِكَ لِمَا فِيهِ لَهُ مِنَ الْقَمْعِ وَ حُسْنِ الْأَدَبِ مَعَ كَثِيرِ أَمْثَالِهِ مِنَ الْخُلُقِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ لَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِلَى قَوْلِهِ لَمَنْ عَزَمَ الْأُمُورَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ هَذَا فِي الْعَمْدِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَمْدًا لَمْ تَظْلِمْهُ بِتَعَمُّدِ الْإِنْتِصَارِ مِنْهُ فَتَكُونُ قَدْ كَافَاتَهُ فِي تَعَمُّدِ عَلَى خَطَاٍ وَ رَفَقَتْ بِهِ وَ رَدَدَتْهُ بِالطَّفِّ مَا تَقَدَّرُ عَلَيْهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

حق هر شهروند مسلمان

٤٤. وَ أَمَّا حَقُّ مِلَّتِكَ عَامَّةً فَاِضْمَارُ السَّلَامَةِ وَ نَشْرُ جَنَاحِ الرَّحْمَةِ وَ الرَّفْقُ
بِمُسِيئِهِمْ وَ تَأَلُّفُهُمْ وَ اسْتِصْلَاحُهُمْ وَ شُكْرُ مُحْسِنِهِمْ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِلَيْكَ فَإِنَّ
إِحْسَانَهُ إِلَى نَفْسِهِ إِحْسَانُهُ إِلَيْكَ إِذَا كَفَّ مِنْكَ أَذَاهُ وَ كَفَّكَ مَثُوتَهُ وَ
حَبَسَ عَنْكَ نَفْسَهُ وَ فَعَمَّهُمْ جَمِيعاً بِدَعْوَتِكَ وَ أَنْصَرَّهُمْ جَمِيعاً بِنُصْرَتِكَ وَ
أَنْزَلَهُمْ جَمِيعاً مِنْكَ مَنَازِلَهُمْ كَبِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَ صَغِيرَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَ
أَوْسَطَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْأَخِ فَمَنْ أَتَاكَ تَعَاهُدُهُ بِلُطْفٍ وَ رَحْمَةٍ وَ صِلَ أَخَاكَ بِمَا
يَجِبُ لِلْأَخِ عَلَى أَخِيهِ

حق شهروندان غير مسلمان

٤٥. وَ أَمَّا حَقُّ أَهْلِ الذِّمَّةِ فَالْحُكْمُ فِيهِمْ أَنْ تَقْبَلَ فِيهِمْ مَا قَبَلَ اللَّهُ وَ تَفِيَّ
بِمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ مِنْ ذِمَّتِهِ وَ عَهْدِهِ وَ تَكَلِّمُهُمْ إِلَيْهِ فِيمَا طَلَبُوا مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ
أُجْبِرُوا عَلَيْهِ وَ تَحْكُمَ فِيهِمْ بِمَا حَكَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا جَرَى بَيْنَكَ
[وَ بَيْنَهُمْ] مِنْ مُعَامَلَةٍ وَ لِيَكُنْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ظَلْمِهِمْ مِنْ رِعَايَةِ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ الْوَفَاءِ
بِعَهْدِهِ وَ عَهْدِ رَسُولِهِ ص حَائِلٌ فَإِنَّهُ بَلَّغْنَا أَنَّهُ قَالَ مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِداً كُنْتُ
خَصْمَهُ فَاتَّقِ اللَّهَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.